

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران



غدیر! بیوند آسمان و کویر

حسن سرطاقت



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رهنما ۷۷ (غدیر پیوند آسمان و کویر)

نویسنده:

حسین سروقامت

ناشر چاپی:

انتشارات آستان قدس رضوی - به نشر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

| | |
|----|------------------------------------|
| ۵ | فهرست |
| ۶ | رهنما ۷۷ (غدیر پیوند آسمان و کویر) |
| ۶ | مشخصات کتاب |
| ۷ | اشاره |
| ۱۰ | غدیر؛ پیوند آسمان و کویر |
| ۱۲ | اشاره |
| ۱۳ | غدیر؛ پیوند آسمان و کویر |
| ۴۸ | غدیر و سه پرسش پیش رو |
| ۴۹ | پرسش نخست: |
| ۴۹ | پاسخ: |
| ۵۲ | پرسش دوم: |
| ۵۲ | پاسخ: |
| ۵۷ | پرسش سوم: |
| ۵۸ | پاسخ: |
| ۶۱ | برای مطالعه بیشتر |
| ۶۲ | درباره مرکز |

سرشناسه : سروقامت، حسین، ۱۳۴۳ -

عنوان و نام پدیدآور : غدیر؛ پیوند آسمان و کویر/نویسنده حسین سروقامت؛ [به سفارش] آستان قدس رضوی، معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی.

مشخصات نشر : مشهد: انتشارات قدس رضوی، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری : ۶۰ ص.؛ ۱۷×۱۱ اس م.

فروست : رهنما.

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۶۵۴۳-۲۹-۱

وضعیت فهرست نویسی : فیبا

یادداشت : کتابنامه.

موضوع : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق -- اثبات خلافت

موضوع : غدیر خم

موضوع : غدیر خم -- احادیث

موضوع : ولایت

شناسه افزوده : آستان قدس رضوی. معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی

شناسه افزوده : موسسه انتشاراتی قدس رضوی

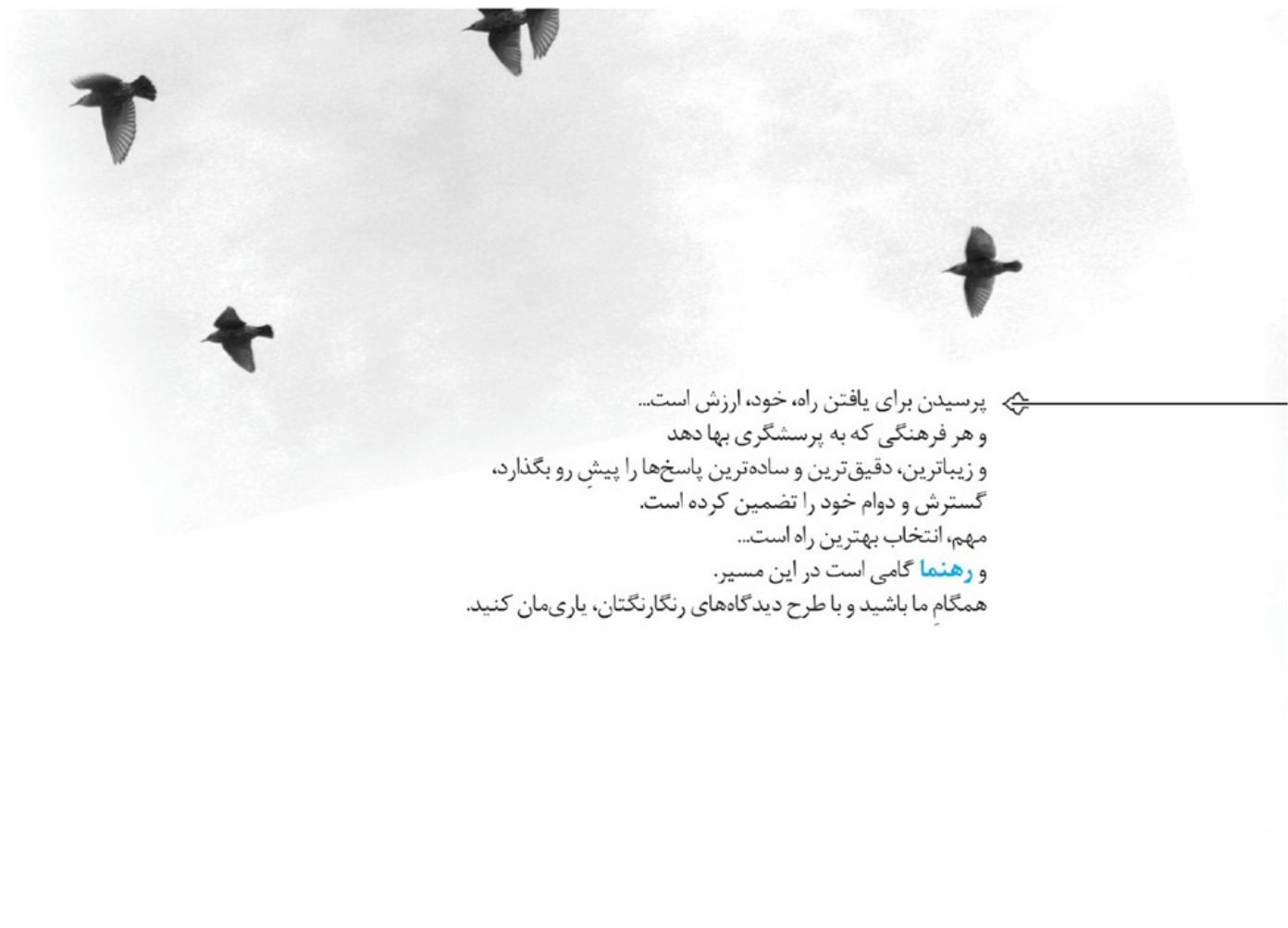
رده بندی کنگره : BP۲۲۳/۵/س ۴۴۶ غ ۱۳۹۱

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۵۲

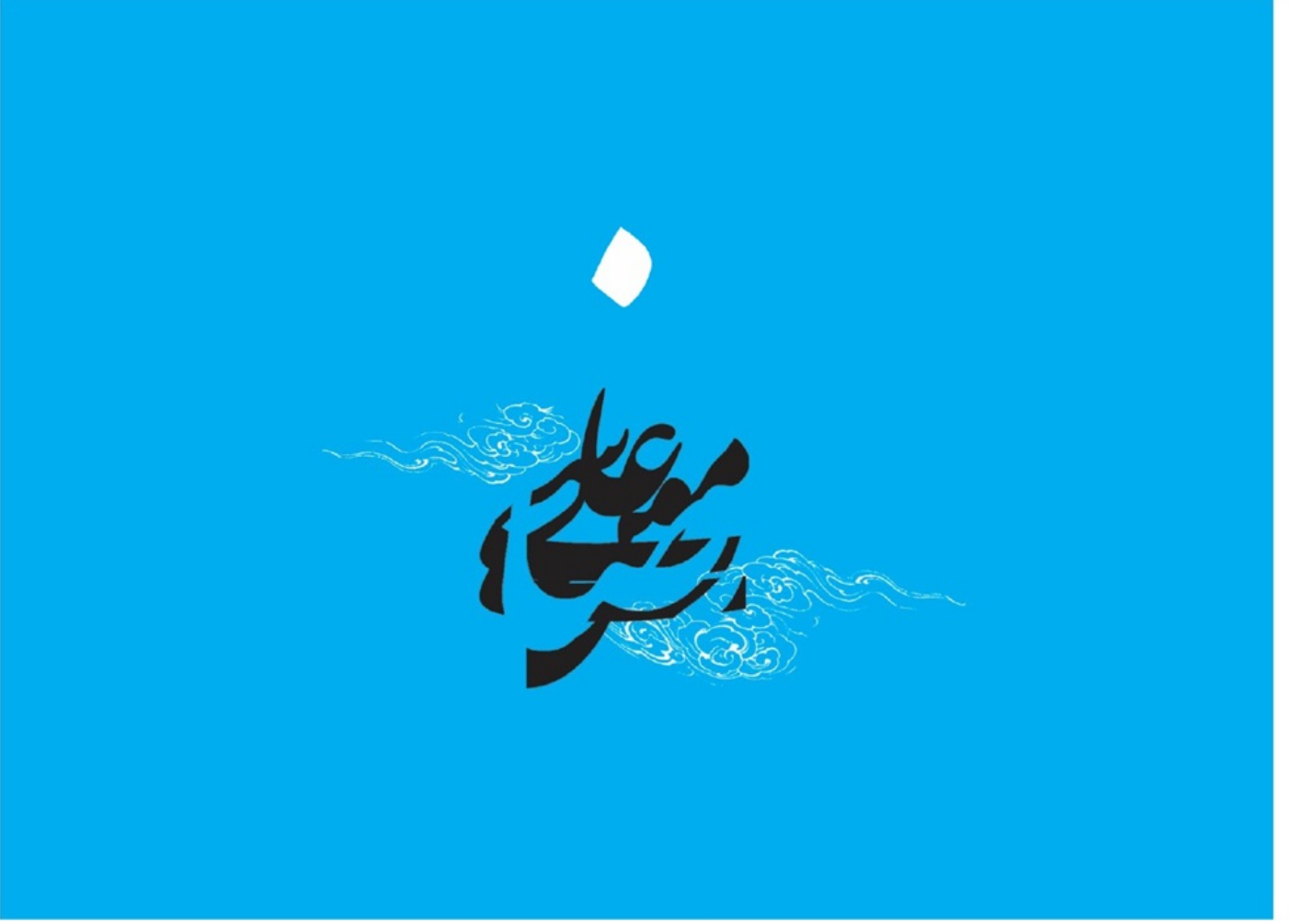
شماره کتابشناسی ملی : ۲۷۸۶۱۷۵

ص: ۱





پرسیدن برای یافتن راه، خود، ارزش است...
و هر فرهنگی که به پرسشگری بها دهد
و زیباترین، دقیق‌ترین و ساده‌ترین پاسخ‌ها را پیش رو بگذارد،
گسترش و دوام خود را تضمین کرده است.
مهم، انتخاب بهترین راه است...
و **ره‌نما** گامی است در این مسیر.
همگام ما باشید و با طرح دیدگاه‌های رنگارنگتان، یاری‌مان کنید.



غدیر؛ پیوند آسمان و کویر

پاسخ گویی به پرسش های زیر نوشتن این نوشته را توجیه می کند:

- مهم ترین پیام آیه سوم سوره مائده در باره ماجرای غدیر خم چیست؟
- اهل بیت عصمت و طهارت برای زنده نگهداشتن غدیر چه راههایی را ارائه کرده اند؟
- چند فراز از سخنان حضرت زهرا که حاکی از فراموشی مردم نسبت به غدیر خم است، را بیان نمایید.
- به چه دلیل ولایت در خطبه غدیر به مفهوم وصایت و سرپرستی است؟
- چرا با وجود اهتمام پیامبر در خطبه غدیر به جانشینی حضرت علی مردم از این امر اعراض کردند؟

ص: ۵



ماجرای غدیر داستان یک برکه کم آب در نزدیکی جحفه نیست. شرح مظلومیت اول مظلوم عالم است. مظلومیت انسانی که دوستان، از سرِ حزم و احتیاط فضایل او را پوشاندند، دشمنان نیز از روی کینه و عناد مناقب او را کتمان کردند، با این حال فضای آسمان و زمین لبریز از عطر وجود اوست.

راست است که علی دو هزار سال زودتر از زمان خود پا به عرصه گیتی نهاد؛

حقیقت است که علی را جز پیامبر و فاطمه نشناخت؛

و درست است که امروز و تا قیام قیامت حتی ما شیعیان که افتخارمان همراهی علی است، به قطره ای از کنه دریای وجود او دست نخواهیم یافت.

این کلام مختصر جز آنکه عرض ارادتی خالصانه است به پیشگاه آن امام همام، اشارتی

نیز هست به حماسه غدیر خم. امید است مقبول افتد و صاحب آن دستمان گیرد.

غدیر؛ پیوند آسمان و کویر

سال دهم هجرت بود. پیامبر در حلقه یاران خویش، در مسجد نشسته بود و آنان گرم گفت و گو با یکدیگر بودند؛ حلقه ای از حلقه های معرفت.

... که جبرائیل امین، فرشته وحی، بر قلب مطهر حضرت نازل شد و با خود، سوره حمد را آورد. پیامبر شگفت زده گفت: «این سوره را پیش از این نیز بر من نازل کرده بودی!»

راست می گفت. سوره حمد را پیش از آن، یک بار دیگر نازل کرده بود و اینکه سوره ای را دو بار نازل کند، سابقه نداشت. (۱)

ص: ۸

۱- . تفسیر روح المعانی، ج ۸، ص ۱۴۵؛ تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۳۶۸.

جبرائیل سخنی گفت و پیامبر دریافت که این موضوع، یک نشانه است؛ یک علامت!

چه علامتی؟ راستی، این موضوع نشانه چیست؟

دانه های درشت عرق، بر پیشانی پیامبر نشست. هر زمان که با جبرائیل سخن می گفت و از او سخن می شنید، همین طور می شد.

- ای رسول رحمت! نزول دوباره سوره حمد، نشانه آن است که وفات تو نزدیک است.

یعنی فرشتگان بهشت صف کشیده اند به انتظار و عالم بالا چشم دوخته است به راه؛ راهی که پیامبر از زمین آغاز می کند و تا عرش قدم به قدم می پیماید.

اکنون رسول رحمت، پیامبر مهربانی و عطوفت، بار سنگین دیگری بر دوش خود احساس می کند: او باید امت خویش را برای مخاطرات پس از خود آماده سازد. باید موضوع مهمی را به مردم بگوید. اما چه موضوعی، چگونه و کجا؟

خداوند راه را معین می کند: پیامبر باید با امت خود عازم حج شود؛ حجه الوداع.

اعلان عمومی حج، همان و همراهی ۱۲۰ هزار نفر با پیامبر رحمت، همان!

مسجد شجره هرگز چنین جمعیتی به خود ندیده است: مسلمانانی که پیامبر خویش را همچون نگین انگشتری دربر گرفته اند و یارانی که در آخرین حج پیامبر قدم به قدم او را همراهی می کنند. در این سو، چنین شور و ولوله ای برپا بود. دریای پرتلاطم امتی که آمده است در مراسمی شگفت، تاریخ را به گواهی بگیرد. امواج این اقیانوس خروشان، پنجم ذی الحجّه به مکه رسید.

در سوی دیگر، جان پیامبر برادر و وصی او، علی مرتضی است که به نمایندگی از حضرت، به یمن و نجران رفته است. او نیز با ۱۲ هزار نفر از اهل یمن، به مکه آمدند و لبیک گویان به حرم امن الهی وارد شدند. (۱)

ص: ۱۰

۱- معاً فی الغدیر، ص ۱۰ تا ۱۱.

آری! علی باید می رسید. خداوند این بساط را چیده است تا او را به مردم معرفی کند. خداوند این بزم را برپا کرده است تا او و آوازه بلند او تا ابد بماند.

ایام حج به سرعت گذشت و آن جمعیت انبوه را به عرفات و مشعر و مینا کشاند.

اما من از همه این ها، عرفات را بیشتر دوست دارم؛ همان جا که آن روز، خداوند فرمان نصب علی را برای جانشینی پیامبر صادر کرد و پیامبر علم و دانش خویش و ودیعه و امانت های گران سنگ خود را تسلیم علی کرد. امروز هر گوشه اش که پای می نهی، اثری از گام های حجت خداست: امیرالحاج، حضرت مهدی صاحب الزمان.

آری! فرمان در عرفات رسید. چنین موضوعی برای پیامبر تازگی نداشت. حتی برای مردم نیز غریب نبود. برخی از آنان، روزی را به یاد می آورند که نزد پیامبر نشسته بودند و علی از در درآمد. رخسار پیامبر چون گل شکفت و فریاد برآورد: «برادرم از راه رسید.» آنگاه به سوی کعبه رفت، پرده آن را گرفت و گفت: «قسم به خدایی که جانم در دست اوست،

این علی و پیروان او در روز قیامت رستگارند.»(۱)

آری! ولایت علی برای مردم غریب نبود: پیش از این نیز از پیامبرشان شنیده بودند که اگر خلافت اسلامی را به علی بسپارید، رهبری دانا و آگاه به مسیر خواهید داشت که قدم از قدم یرنمی دارد، مگر آنکه شما را به «صراط مستقیم» رهسپار کند.(۲)

تاریخ، این قبیل سخنان را فقط از پیامبر سراغ ندارد. دیگران نیز در این وادی، با رسول خدا هم آوا و هماهنگ اند. گویا همین دیروز بود که یکی از شاعران معاصر مصری، همه ارادت خویش را در این جمله ریخت و به عدالت پیشگان عالم تقدیم کرد: «اگر بگویند اسلام و نگویند علی، مانند قلبی است که در آن، خونی جریان ندارد.»(۳) یا آن نویسنده

ص: ۱۲

۱- حماسه غدیر، ص ۱۶۱ تا ۱۶۳؛ خوارزمی، مناقب، ص ۶۶.

۲- تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۴۷؛ حماسه غدیر، ص ۲۵ تا ۲۶.

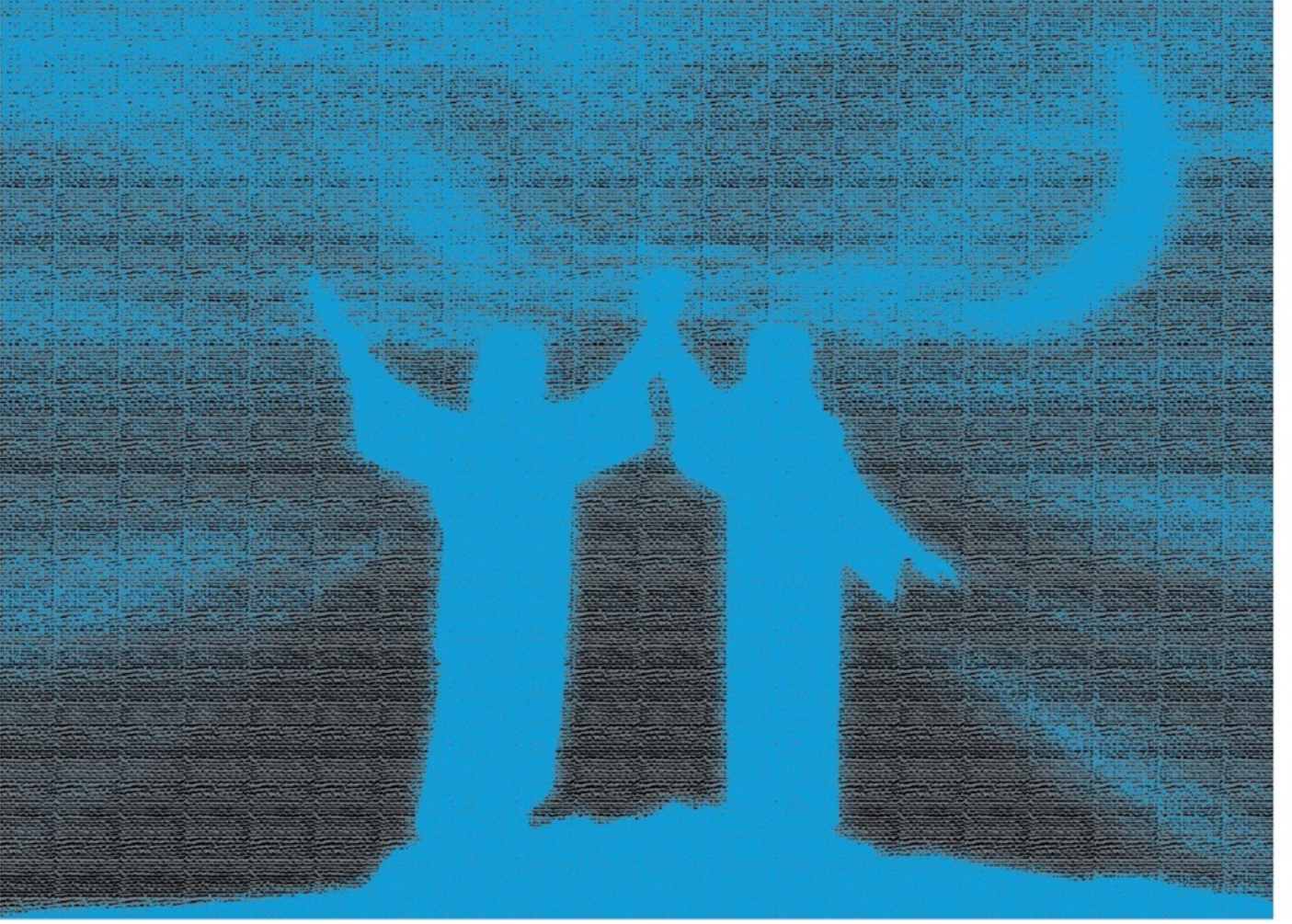
۳- حماسه غدیر، ص ۴۲.

عرب، دکتر علی الوردی که دین پیامبر را با علی برابر انگاشت و گفت: «دین مساواتی که پیامبر آورد، با علی در یک قبر مدفون شد.»^(۱)

آری! مردم با علی زندگی می کنند، در کوچه و بازار با او راه می روند، او را در مسجد ملاقات می کنند؛ اما قطره ای از دریای وجود او را نچشیده اند.

اما پیامبر این بار آمده است تا دست مردم را بگیرد، از این قله بالا ببرد و اندکی از فضیلت های علی را به آنان بشناساند. چه زیبا و شگفت گفته است آن نویسنده فرانسوی، در شرح احوال این ستارگان هدایت گستر: «هرگز ادعا نمی کنم که همه جهانیان می توانند بر فراز این قله ها زیست کنند؛ ولی می گویم مردم گیتی باید روزی در سال، به قصد زیارت از آن ها بالا بروند. آنان در آنجا، نفس سینه و خون رگ هایشان را تازه خواهند

ص: ۱۳



کرد و خویشتن را به ابدیت نزدیک تر احساس خواهند کرد. آنگاه به عزم پیکار روزانه، با دلی قوی به دشت پهناور زندگی بازخواهند گشت»^(۱).

آری! پیامبر می خواست آن روز از سال که مردم نفس سینه و خون رگ هایشان را تازه می کنند، روز غدیر باشد و آن قله ای که به قصد زیارت از آن بالا می روند، قله پُرمهابت علی.

مراسم حج تمام شد. فرشته وحی نازل شد و آیه تکان دهنده ای بر پیامبر نازل کرد: «ای پیامبر، آنچه از جانب پروردگارت بر تو نازل کردیم، به مردم ابلاغ کن که اگر چنین نکنی، رسالت خدای خویش را به انجام نرسانده ای.»^(۲)

پیامبر با مردم از مکه بیرون آمد. حاجیانی که پس از اتمام مراسم حج، هریک آهنگ خانه و کاشانه خود کرده اند و از اتفاق بزرگی بی خبرند که در راه است. آنان سر راه خویش به

ص: ۱۵

۱- حماسه غدیر، ص ۱۶.

۲- مائده، ۶۷.

غدیرخم رسیدند؛ منطقه ای خشک و لم یزرع، با قدری آب و تعدادی درخت های قدیمی. غدیرخم نزدیک جحفه است. جایی که مسیر اهل مدینه، مصر، عراق، شام و نجد با یکدیگر تلاقی می کند. انتخاب غدیرخم نیز برای ابلاغ موضوع ولایت، از سوی پروردگار متعال بوده است. هجدهم ذی الحجّه بود که پیامبر با اصحاب و اعراب و ساکنان حومه مکه و مدینه و نیز همه کسانی که در حجهالوداع شرکت کرده بودند، به غدیرخم رسیدند؛ جمعیتی بالغ بر ۱۲۰ هزار نفر.

پیامبر مسیر خود را به سمت راست تغییر داد. به توقف مردم امر کرد و دستور داد هر که جلوتر رفته است، بازگردد و همگی صبر کنند تا کسانی که عقب مانده اند نیز برسند. همچنین، فرمان داد که احدی به سمت درختان قدیمی نرود و آن قسمت، در طول سه روز مراسم غدیر خالی ماند.

همه مرکب ها ایستادند. همگان در غدیر فرود آمدند و برای خود جایی برگزیدند. آفتاب

به شدت می تابید. حرارت آفتاب به حدی بود که مسلمانان سرهایشان را با گوشه لباس پوشانده و پایین عبا را بر پاهایشان افکنده بودند.

پیامبر به سلمان و ابوذر و عمار گفت که زمین کنار درختان قدیمی را آماده کنند، سنگ ها و شن ها را بردارند و آنجا را مسطح کنند. پارچه هایی میان درختان بیفکنند و سایه ساری فراهم کنند؛ جایی که برای برگزاری مراسم غدیر خم مناسب باشد. سنگ هایی را از گوشه و کنار فراهم کردند، کجاوه های شتران را روی آن ها قرار دادند و پارچه ای بر آن ها افکندند تا در وسط آن جمعیت، منبری برای پیامبر تدارک کنند؛ جایی که پیامبر به جمعیت اشراف داشته باشد و به راحتی بتواند با آنان سخن بگوید. عده ای را نیز مشخص کردند تا گفته های پیامبر را تکرار کنند؛ به گونه ای که احدی از جمعیت نماند که سخنان حضرت را نشنود.

تا ظهر، همه مردم در اطراف این منبر آسمانی جمع شدند: همه چشم انتظار، همه

بی تاب. ظهر، منادی پیامبر ندا داد و مردم را به نماز جماعت دعوت کرد. نماز ظهر را با پیامبر خواندند. آنگاه...

...پیامبر بر فراز آن منبر ایستاد و علی را صدا کرد تا از منبر بالا رود و در سمت راست وی قرار گیرد؛ یک پله پایین تر.

پیامبر نگاهی به سمت راست خود انداخت و سپس، به سمت چپ نظری افکند. گویا منتظر بود تا همه ساکت شوند و به سخنان او گوش دهند. آنگاه سخن آغاز کرد.

خطابه رسمی پیامبر اعظم که در آن، به عموم بشر توجه کرده و آنان را مخاطب قرار داده است.

خطبه ای که بر فراز منبر، نه یک نفر، بلکه هم زمان دو نفر ایستاده بودند.

مردم نفس ها را در سینه ها حبس کرده بودند. پیامبر خطبه تاریخی خویش را آغاز کرد که نزدیک یک ساعت طول کشید. در آغاز خطبه، پیامبر زبان به حمد و ثنای الهی

گشود، از صفات او سخن گفت و به بندگی حضرت حق اقرار کرد. آنگاه از ضرورت تدارک این اجتماع باشکوه، مطالبی به زبان آورد و به صراحت اعلام فرمود:

«خداوند به من خیر داده است که اگر آنچه در حق علی بر من نازل کرده است، ابلاغ نکنم، رسالت و پیامبری ام را به انجام نرسانده ام...» سپس، اعلان امامت پیشوایان دین و نام بردن از حضرت مهدی (۱).

زمانی که سخنان پیامبر به اینجا رسید، همه مردم از قصد او برای معرفی علی به جانشینی آگاه شدند؛ اما پیامبر به همین اندازه نیز بسنده نکرد. او با کاری که کرد، توجه همگان را به شدت جلب کرد و راه را بر همه شبهه افکنان تاریخ بست:

همه مردم دیدند که رسول خدا دست علی را گرفت، بلند کرد و به تمامی جمعیت

ص: ۱۹

۱- معاشر الناس انی نبی و علی وصی الا و ان خاتم الائمة منا القائم المهدی. شرح و تفسیر خطبه پیامبر اکرم در غدیر خم، ص ۴۰۹.

نشان داد. سپس، در همان حال مهم ترین و اساسی ترین فراز این خطبه تاریخی را به زبان آورد: من کنت مولا فهدا علی مولا؛ هر که من مولای اویم، پس علی مولای اوست.

آنگاه فرشتگان و مردم را به شهادت طلبید و گفت: «خدایا، من این موضوع را ابلاغ کردم.»

سپس به صراحت افزود: «علی از سوی خداوند امام شماسست و خداوند هرگز توبه منکر ولایت او را نمی پذیرد... بر خداوند لازم است که او را عذاب کند؛ عذابی سخت و همیشگی و او در آتش جهنم، جاودان خواهد بود.»^(۱) آنگاه به برخی فضایل علی اشاره کرد.

هشدار به مردم درباره عذاب الهی، در صورت نپذیرفتن ولایت علی و برشمردن آثار ولایت و محبت اهل بیت بخش دیگری از خطبه غدیر بود. پیامبر سوره حمد را خواند و

ص: ۲۰

گفت: «قسم به خدایی که این سوره را نازل کرد، سوره حمد درباره من و اهل بیت من است و یاران علی هدایت یافتگان صراط مستقیم هستند.»

از فرازهای بسیار جذاب خطبه غدیر، سخن گفتن رسول خدا درباره بقیه‌الله و اوصاف و احوال او و بشارت مؤمنان، به آینده ای است که هدایت به دست های مبارک او جریان می یابد.

از دیگر شگفتی های خطبه غدیر، بیعت زبانی است. بدیهی است که مقدر نبود پیامبر از چنین جمعیتی و در زمانی واحد، برای علی بیعت بگیرد. علاوه براین، ممکن بود برخی نیز از بیعت شانه خالی کنند؛ ازاین رو، پیامبر در اواخر خطبه غدیر گفت: «ای مردم، تعداد شما بیشتر از آن است که بتوانید در فرصت محدودی با من مصافحه کنید و به من تبریک بگویید. خداوند به من فرمان داده است که درباره ولایت علی و امامان پس از او، از شما اقرار بگیرم...». آنگاه پیامبر عباراتی را بیان کرد و مردم با او تکرار کردند.

جز در این خطبه و در بیان این عبارات، هیچ جایی ندیده اند که پیامبر چنین شیوه ای

را برای بیعت زبانی اتخاذ کرده باشد و همراهی را این گونه از مردم مطالبه کند.

سرانجام، خطبه غدیر به زیباترین شکل ممکن و با جمله الحمد لله رب العالمین به پایان رسید.

خطبه پیامبر همه را به وجد آورده بود. در این خطبه، پیامبر ۱۱۰ بار از صفات خداوند نام برد. ۱۰ مرتبه به مقام بلند خود اشاره کرد. ۵۰ بار بر ولایت علی تأکید کرد. ۱۰ بار از ولایت پیشوایان و امامان سخن به زبان آورد. ۲۰ مرتبه فضایل علی را خاطرنشان کرد. ۲۰ بار از امام مهدی یاد کرد. ۲۵ مرتبه از شیعیان اهل بیت و دشمنان آنان سخن گفت. ۱۰ بار بیعت با ائمه را مطرح کرد. ۱۲ مرتبه از قرآن و تفسیر آن سخن گفت. ۲۰ بار نیز از حلال و حرام الهی، مطالبی را بیان کرد. (۱)

هرچند اغلب فرازهای خطبه درباره علی بود، پیامبر ۴۰ مرتبه از او به صراحت نام

ص: ۲۲

۱- . معاً فی الغدیر، ص ۳۴ تا ۳۵.

برد، ۴۰ مرتبه نیز کلمه ائمه و ۴ مرتبه نام مهدی را به زبان آورد. همچنین، خطبه خود را با ۵۰ آیه از آیات قرآن متبرک ساخت. (۱)

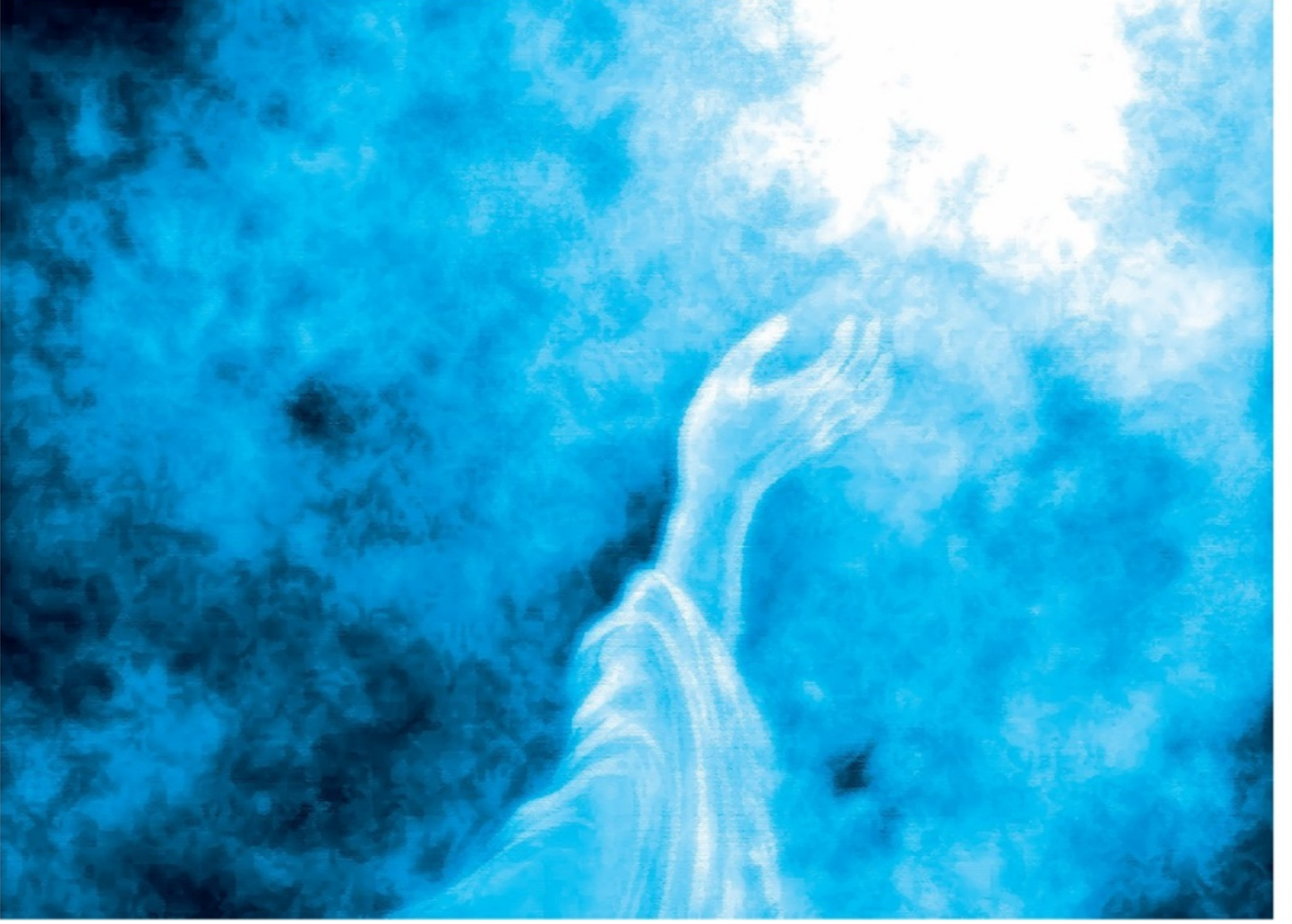
حالا زمان آن رسیده بود که مردم با دست هایشان با علی بیعت کنند.

پیامبر دستور داد که دو خیمه در کنار درخت های قدیمی نصب کنند؛ یکی برای خود و دیگری برای علی.

آن حضرت به مردم فرمان داد: «به من تهنیت بگویید! به من تبریک بگویید! خداوند مرا نبی و اهل بیت مرا امام قرار داد.»

ص: ۲۳

۱- همان.



مردم نیز در این مرحله سنگ تمام گذاشتند: دسته جمعی به خیمهٔ پیامبر می آمدند، به او تبریک می گفتند و خطاب به آن حضرت عرض می کردند: «آری! ما فرمان خدا و رسول او را شنیدیم و اطاعت کردیم... به دل هایمان و زبان هایمان و دست هایمان.»

آنگاه به خیمهٔ علی می رفتند، با او دست می دادند و بیعت می کردند.

شگفتی های غدیر به همین اندازه خاتمه نیافت... گویی این رشته سر دراز دارد:

خلیفهٔ دوم از اولین کسانی بود که با علی بیعت کرد و کلماتی گفت که تاریخ، آن ها را به حافظهٔ نیرومند خویش سپرده است: «به به! خوشا به احوال تو که مولای من و سرپرست هر زن و مرد مسلمانی شدی.»

به گواهی تاریخ، آنان که زودتر بیعت کردند، پیش از دیگران نیز بیعت شکستند!

...عجیب آنکه دیرزمانی نباید که زمزمه های مخالفت با علی به گوش رسید.

برخی از همان آدم ها، از پیامبر پرسیدند: «یا رسول الله، این موضوع از جانب توست یا

از جانب خداوند بر تو نازل شده است؟»

و پیامبر که بوی تردید و بی وفایی و عهدشکنی را از این سخنان استشمام می کرد، به صراحت فرمود: «به خدایی که جز او خدایی نیست، این فرمان خداست و من وظیفه ای جز ابلاغ آن نداشتم.»

بیعت را از مردان آغاز کردند؛ اما به آنان خاتمه نیافت. پیامبر دستور داد ظرف آبی آوردند و وسط آن پرده ای آویختند. علی دست خود را از یک سوی ظرف در آب فرو برد و زنان یک به یک آمدند و دستشان را از سوی دیگر ظرف، در آب فرو بردند.

این کار را سه روز ادامه دادند؛ تاجایی که احدی در آنجا نبود که بگوید من در غدیر حاضر بودم و سخن پیامبر را شنیدم؛ اما با علی بیعت نکردم.

در همین مراسم باشکوه بود که پیامبر عمامه خود را که سحاب نامیده بود، بر سر امیرالمؤمنین نهاد و تحت الحنک آن را روی سینه اش افکند و فرمود: «خداوند در جنگ بدر

ص: ۲۶

و حنین، مرا با فرشتگانی یاری داد که [نظیر] همین عمامه را بر سر گذاشته بودند. (۱) آنگاه فرمود: «عمامه، تاج عرب (۲) است.» با این سخن فهماند که فخر ابدی برای علی و فرزندان اوست که تاج رسول خدا را بر سر دارند.

آنگاه حسان بن ثابت، شاعر چیره دستی که زبانش ثناگوی فضایل خاندان رسالت بود، نزد رسول خدا آمد و گفت: «یا رسول الله، اجازه می دهید در این خصوص شعری بگویم؟»

پیامبر به او فرمود بگو... و او شعر را آغاز کرد. او آغاز کرد و پس از او، ۱۴ قرن است که شعرا درباره غدیر می گویند و می سرایند.

با اتمام مراسم غدیر، مَهر تأیید خداوند نیز بر آن خورد. خداوند در آیه ای که توسط جبرائیل نازل کرد، فرمود: «امروز، کسانی که به دین شما کفر ورزیدند، مأیوس و ناامید

ص: ۲۷

۱- ان الله عز و جل ایدنی یوم بدر و حنین بملائکه معتمین بهذه العمه. معاً فی الغدیر، ص ۲۲ تا ۲۴.

۲- در برخی روایات، از عمامه به تاج ملائکه تعبیر کرده اند.

شدند؛ پس، از آنان نه‌راسید و تنها از من بترسید.»^(۱) در ادامه همان آیه، کمال دین و اتمام نعمت الهی و رضایت خویش را در گروی حماسه غدیر قرار داد: «امروز، دین شما را کامل کرده و نعمت خود را بر شما تمام کردم و از اسلام به منزله دین شما راضی شدم.»^(۲)

مردم دسته به دسته و قبیله به قبیله از غدیر حرکت کردند و به خانه و کاشانه خود رهسپار شدند. آن روزهای خاطره انگیز ایام ولایت، در دل و جان آنان جای گرفت. هر گروهی که به شهر و دیار خود می رفتند، بیش از آنچه در مکه و مدینه دیده بودند، از غدیر بازمی گفتند. اخبار غدیر در اقصی نقاط عالم پیچید و خداوند به زبان اهل ایمان، ولایت و امارت علی را عالم گیر کرد.

پیامبر نیز به مدینه برگشت و در همان روزهای نخست بازگشت بود که جبرائیل،

ص: ۲۸

۱- . مائده، ۳.

۲- . همان.

دیگر بار، بر قلب مطهر او فرود آمد و موضوع دیگری را به پیامبر ابلاغ کرد: اختصاص لقب «امیرالمؤمنین» به علی از سوی خداوند؛ بدان معنا که این لقب، مخصوص علی است و احدی جز او سزاوار این لقب نیست. پیامبر پس از این مرحله، از اصحاب خود خواست بیایند و با این لقب، به حضرت علی سلام بدهند. اصحاب نیز یکی پس از دیگری، از در مسجد وارد می شدند و با عبارت السلام علیک یا امیرالمؤمنین به علی سلام می گفتند و بیرون می رفتند.

غدیر با همه شکوه خود به انجام رسید و چنان در دل و جان انسان ها بزرگی و عظمت آفرید که پس از آن، هر چیز زیبایی را به آن تشبیه کردند و شعرا هر بهجت و سروری را به آن مثال زدند: چنان که تمیم بن معز که خود، دیوان مشهوری با نام دیوان تمیم بن معزالدین الله الفاطمی دارد، در قصیده بلندی که در آن، شب ها و روزهای خوش خویش را توصیف می کند، چنین می گوید: «آن شب ها [زیبایند؛ چونان شب های غدیر. [آن روزها] شاد و

از آن روزگار تاکنون، غدیر سرچشمه جریان های مختلفی بوده است که دو گروه مختلف، آن ها را پیگیری کرده اند:

گروه اول پیامبر، اهل بیت، عدالت طلبان و حق جویان عالم اند که همواره بر زنده نگه داشتن غدیر، ارزشمندی، عیدشمردن و جشن گرفتن آن، پای فشرده و تأکید کرده اند. کسانی که با گفتار و رفتارشان، این حماسه بزرگ را پاس داشته اند و بر سرِ آزادی و حقیقت طلبی خود و نیز اعتبار و اصالت غدیر ایستاده اند.

گروه دوم نیز کسانی هستند که به انگیزه مطامع پست دنیوی و دنیاطلبی و مادی گرایی تلاش کرده اند تا غدیر را به بوتۀ فراموشی بسپارند و مانع گسترش شعاع معنوی آن شوند.

ص: ۳۰

به منزلهٔ عید و بلکه افضل اعیاد امت پیامبر در نظر گرفته و بر آن تأکید کرده اند؛ چنان که پیامبر در سخنی به این نکته اشاره می کند: «روز غدیر برترین عید امت من است.

آن روزی است که خداوند به من فرمان داد تا برادرم علی بن ابی طالب را همچون پرچم هدایتگر امت خویش، پس از خودم منصوب کنم. آن روز خداوند دین را کامل کرد و نعمت را بر امت من تمام کرد و از دین اسلام برای آنان راضی و خشنود شد.»^(۱)

امامان ما نیز همچون امام باقر و امام صادق و امام رضا غدیر را به عظمت مطرح می کردند. آنان، آن روز را عید تلقی کرده و به مردم یادآوری می کردند که غدیر بزرگ ترین عید اسلام است: در روایتی، از یکی از یاران امام صادق نقل کرده اند که به حضرت گفت:

ص: ۳۱

۱- . معاً فی الغدیر، ص ۶۸ تا ۶۹.

«فدایت شوم! آیا برای مسلمانان غیر از دو عید فطر و قربان، عید دیگری نیز هست؟» حضرت فرمود: «آری، عیدی است که از این دو برتر و والاتر است.» گفتم: «کدام عید؟» حضرت فرمود: «روز انتخاب امیرالمؤمنین به پیشوایی امت.»^(۱)

در روایتی از امام رضا نیز آمده است: «به خدا سوگند، اگر مردم ارزش روز غدیر را می شناختند، روزی ده بار فرشتگان با آنان مصافحه می کردند. اگر به درازاکشیدن سخن برای من ناگوار نبود، درباره بزرگی این روز و فضیلت هایی که خداوند به کسانی داده است که آن را شناخته اند، چنان مفصل سخن می گفتم که به شمار نیاید.»^(۲)

در کتاب شریف الغدیر نیز به گونه ای مبسوط بحث کرده اند که عیددانستن روز غدیر و به جا آوردن آداب ویژه آن، از شعائر عمومی جهان اسلام است و مختص شیعیان نیست. غدیر

ص: ۳۲

۱- . کافی، ج ۱، ص ۳۰۳.

۲- . آرمان غدیر از دیدگاه امیرالمؤمنین، ص ۹ تا ۱۰؛ التهذیب، ج ۶، ص ۲۴، ح ۹؛ وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۰۲، ح ۱.

را از زمان پیامبر عید بزرگ مسلمانان می شمردند و به آن احترام می گذاشتند.^(۱)

همگان به موضوع غدیر بسیار توجه کرده اند و از چشم دانشمندان سنی نیز پنهان نمانده است: ابوریحان بیرونی عید غدیر را از جمله اعیاد مهم مسلمانان قلمداد کرده است.^(۲) ضیاء الدین مقبلی نیز در بیان زیبایی اشاره می کند که اگر حدیث غدیر مسلم نباشد، هیچ امر مسلمی در اسلام وجود ندارد.^(۳) این نکته را شیخ طوسی، از علمای بزرگ امامیه نیز بیان کرده است. او می گوید: «شیعیان همگی آن [یعنی غدیر] را نقل کرده و متواتر دانسته اند.» ابن طلحه شافعی نیز می گوید: «این روز را عید می دانند؛ برای آنکه رسول خدا

ص: ۳۳

۱- . الغدیر، ج ۱، ص ۲۶۷ تا ۲۸۳.

۲- . الآثار الباقیه عن القرون الخالیه، ص ۳۳۴.

۳- . الغدیر، ج ۱، فصل الکلمات حول سند الحدیث؛ حماسه غدیر، ص ۳۴.

حضرت علی را به مقام والای ولایت برگزید و او را بر همه آفریده ها برتری داد.»^(۱) این موضوع تا بدانجا پیش می رود که طارق بن شهاب، از علمای بزرگ اهل کتاب، به خلیفه دوم می گوید: «ای عمر، اگر آیه الیوم اکملت لکم... را در کیش ما نازل کرده بودند، روز نزول آن را عید می گرفتیم.»

راه دیگری که گروه اول برای زنده نگه داشتن غدیر ارائه کرده اند، بیان برخی آداب فردی و اجتماعی روز عید غدیر خم است. از این آداب می توان به زینت کردن، پوشیدن لباس های نو و پاکیزه، احیای شب غدیر، نماز و روزه روز غدیر، عبادت و دعا در آن روز، صلوات بر محمد و آل محمد و لعن دشمنان، زیارت امیرالمؤمنین از دور یا نزدیک، اظهار شادمانی قلبی و زبانی با تبریک و تهنیت به سایر شیعیان، برگزاری جشن و مراسم شعرخوانی، سخنرانی

ص: ۳۴

۱- تلخیص الشافی، ج ۲، ص ۱۶۸.

و بیان مناقب حضرت علی، زیارت و دیدار برادران دینی، اهدای هدایا و وسعت روزی در خانواده و... اشاره کرد.

فیاض بن محمد بن عمرطوسی از یاران امام رضا، درحالی که نود سال از عمرش گذشته بود، مشاهده های جالبی از جشن غدیر، از امام رضا نقل می کند: «در روز عید غدیری در محضر امام رضا بودم. حضرت جمعی از دوستان خود را برای صرف غذا دعوت کرده بود و به خانه برخی دیگر از اصحاب نیز غذا، هدایا، لباس، کفش و انگشتری فرستاده بود. سرووضع دوستان و خدمتکاران خویش را نیز تغییر داده بود. در آن روز با وسایل پذیرایی تازه، غیر از آنچه در سایر روزها در خانه حضرت وجود داشت، از آنان پذیرایی می کرد. امام همواره عظمت و فضیلت آن روز و سابقه دیرینه آن را در تاریخ اسلام یادآوری می کرد و شرح می داد.»^(۱)

ص: ۳۵

۱- الغدیر، ج ۱، ص ۲۸۷.

از این مقال بگذریم و از گروه دوم سخن به میان آوریم؛ گروهی که سخن گفتن از آنان یادآور عذر تراشی، بهانه جویی، فراموشی و بی وفایی است. با کمال تأسف، روگردانی از علی از دوران رسول خدا آغاز شد و نه تنها مسلمانان، بلکه افراد دور از دنیای اسلام نیز به آن پی بردند؛ به گونه ای که ولتر، فیلسوف معروف فرانسوی، نیز به آن اشاره می کند: «آخرین اراده محمد انجام نشد. او علی را [به جانشینی خود] منصوب کرده بود...» (۱)

بنابراین، شد آنچه نباید می شد: جو پلیسی حاکم، منع نقل و کتابت احادیث نبوی برای

ص: ۳۶

۱- حماسه غدیر، ص ۳۰. "La dernière volonté de "Mohomet ne point exécutée. II avait nommé Ali ...". Oeuvres Complètes, Vol XI, p. ۲۰۹, Louismaland و اکنون، با وجود آن همه اعترافات که در طول تاریخ، از علما و عقلای ملل و مذاهب عالم و حتی از خود خلفا ثبت کرده اند، چرا از ولتر فرانسوی (۱۶۹۴ تا ۱۷۷۸) نقل می کنیم؟ برای اینکه بدانیم اشخاص دور از اسلام و دنیای اسلام و فرهنگ اسلام نیز به این حقایق پی برده اند.

سال های طولانی و نیز وضعیت بعد از وفات پیامبر کاری کرد که مردم نتوانند به حدیث غدیر عمل کنند. مرور کوتاهی بر چند فراز از سخنان حضرت زهرا نشان دهنده آن است که مردم چگونه و با چه شتابی، غدیر را به فراموشی سپردند:

آیا سخن پیامبر را در روز غدیر فراموش کردید که فرمود: «هر که من مولای اویم، علی مولای اوست.»^(۱)

آیا پدرم در روز غدیر، برای احدی عذری باقی گذاشت؟^(۲)

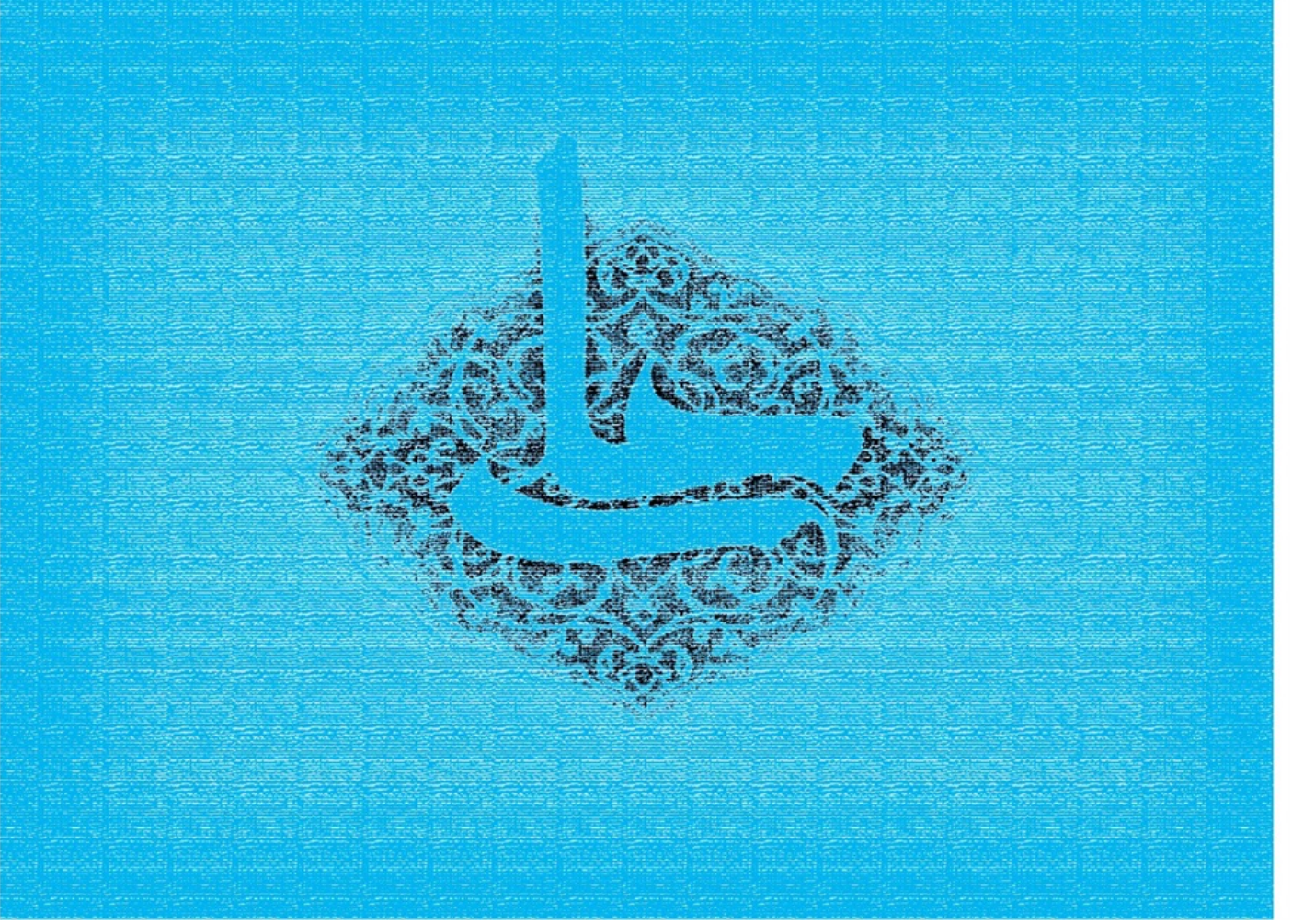
شگفتا! آیا روز غدیر خم را به بوته فراموشی سپردید؟^(۳)

ص: ۳۷

۱- . الغدیر، ج ۱، ص ۱۹۷.

۲- . صدوق، خصال، ص ۱۷۳، ح ۲۲۸.

۳- . بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۵۳، ح ۲۲۴.



گویا شما نمی دانید [پدرم] در روز غدیرخم چه سخنی به زبان آورد. (۱)

خداوند بعد از غدیرخم، برای احدی حجت و عذر و بهانه ای قرار نداده است. (۲)

نه تنها آنان، بلکه بسیاری از مسلمانان امروز نیز غدیر را فراموش کرده اند. بدان حد که تردید می کنند، آیا غدیر جزء اسلام هست یا خیر! این مسئله چنان وقیح و ناصواب است که آه از نهاد برخی بزرگان اهل سنت نیز برآورده است: استاد و محقق معروف جهان سنت، عبدالله علایلی، در سخنرانی خود در رادیو لبنان، به تاریخ ۱۸ ذی الحججه ۱۳۸۰ق، چنین گفته است: «عید غدیر جزء اسلام است و هرکس منکر آن شود، منکر اسلام شده است.» (۳)

این مطالب زمانی رنگ شگفتی و تعجب به خود می گیرد که بدانیم کسانی که بعد از

ص: ۳۹

۱- بحارالانوار، ج ۲۸، ص ۲۰۵، ح ۳.

۲- دلائل الامامه، ص ۳۸.

۳- محمدجواد مغنیه، الشیعه و التشیع، ص ۲۸۸؛ حماسه غدیر، ص ۳۶.

وفات پیامبر حکومت و زمامداری مردم را بر عهده گرفتند، بارها به برتری علی گواهی داده اند. از خلیفه اول، ابوبکر بن ابی قحافه نقل کرده اند: «مرا کنار بگذارید! مرا کنار بگذارید! من بهترین شما نیستم!» عمر بن خطاب نیز می گفت: «علی برای خلافت، از من و ابوبکر سزاوارتر بود.» از این گونه اظهارات و حتی آشکارتر از آن، از این دو خلیفه بسیار نقل کرده اند، آن هم از کتاب ها و مآخذ معتبر خود علمای اهل سنت. (۱)

سخن آخر، پاسخی است به این پرسش که ممکن است برای شما نیز مطرح باشد: چرا با وجود علی مردم به سراغ دیگران رفتند؟ جمله های زیر را از برخی بزرگان اهل سنت بخوانید تا پاسخ را بیابید:

متکلم معروف، قاضی ابوبکر باقلانی، می گوید: «جمهور اهل تحقیق و اصحاب حدیث گفته اند که خلیفه را به علت اینکه فاسق و گناهکار باشد یا ستمگر باشد، اموال مردم را

ص: ۴۰

۱- . الغدیر، ج ۱، ص ۳۸۸ تا ۳۸۹ و ج ۵، ص ۳۶۸ و ج ۷، ص ۸۰ و ۸۱ و ۱۱۹؛ حماسه غدیر، ص ۳۶.

بگیرد، پوست از سر مردم بکنند، مردم را بکشند، حقوق را ضایع کند و حدود الهی را زیر پا بگذارد، خلع نمی کنند و قیام علیه او واجب نیست؛ بلکه باید او را موعظه کرد.»^(۱) از قاضی بدرالدین بن جماعه مؤلف کتاب تحریر الاحکام فی تدبیر اهل الاسلام نیز نقل کرده اند: «اگر شخص مسلط که به زور، قدرت را به دست آورده است، حتی قوانین شریعت را نداند و ظالم و فاسق و فاجر باشد، باید از او اطاعت کرد.»^(۲) قاضی ابویوسف گفته است: «اطاعت از خلیفه لازم است؛ اگرچه ستمگر باشد.»^(۳) حسن بصری نیز چنین آورده است: «به حکام، بد مگویید؛ زیرا ایشان اگر به نیکویی رفتار کنند، آنان راست اجر و بر شماست شکر و اگر به بدی رفتار

ص: ۴۱

۱- . التمهید، ص ۱۸۶؛ حماسه غدیر، ص ۱۳۵ تا ۱۳۶.

۲- . حماسه غدیر، ص ۱۳۶.

۳- . همان، ص ۱۳۲ تا ۱۳۳.

کنند، بر آنان است و زر و بر شماسست صبر.»(۱) قاضی ابویوسف به هارون الرشید گفته است: «خداوند کار این امت را به تو سپرده است.»(۲) عبدالجبار معتزلی همدانی از عقایدشناسان و متکلمان بزرگ اهل سنت نیز گفته است: «اهل سنت هر فاسق مفضولی را که بر مردم مسلط شود، پیشوا می شناسند. نه با رضا و رغبت، بلکه به دلیل همان تسلط و غلبه او.»(۳)

واعجباً! عده ای با لطایف الحیل، حکومت را به دست می گیرند و عده دیگری برای کار آنان، ایده پردازی و مبناسازی می کنند. مردم نیز باور می کنند و اطاعت می کنند و کار به همین منوال پیش می رود تا قیام قیامت!

رگ رگ است این آب شیرین و آب شور در خلائق می رود تا نفخ صور(۴)

ص: ۴۲

۱- همان.

۲- همان.

۳- المغنی فی ابواب التوحید و العدل، بخش اول، ص ۲۵۹.

۴- مولانا جلال الدین محمد بلخی.

غدیر و سه پرسش پیش رو

پرسش نخست:

در خطبه غدیر، «ولایت» معنایی جز محبت و علاقه نمی دهد. توضیح اینکه مهم ترین فراز خطبه غدیر که شیعیان برای جانشینی حضرت علی پس از پیامبر اکرم به آن استناد می کنند، عبارت من کنت مولاه فهذا علی مولاه است. ولایت در این فراز، چیزی جز محبت و علاقه نیست؛

پاسخ:

اول، این حرف با اهتمام شدید پیامبر در اجتماع مردم، در سرزمین غدیر خم ناسازگار است. چگونه می توان پذیرفت که پیامبر به اجتماع مسلمانان دستور دهد که صبر کنند پیش رفتگان باز گردند و بقیه برسند تا فقط از پیامبر بشنوند که علی را

ص: ۴۴

دوست بدارند. مگر این سخن را بارها پیش از این نیز از پیامبر نشنیده بودند؟ مگر از عمق دوستی پیامبر و علی آگاه نبودند؟ خیر، باید سخن تازه‌ای در میان باشد و آن، جز وصایت و خلافت پس از پیامبر نیست.

دوم، در برخی روایات که از قضا بزرگان اهل سنت نیز نقل کرده‌اند، در ادامه دعای پیامبر اللهم وال من والاه... عبارت احب من احبه آمده است. این عبارت نشان می‌دهد که ولایت غیر از محبت است؛ درغیراین صورت، تکرار و حشو لازم می‌آید که آن هم در سخنان پیامبر گرامی اسلام موضوعی بعید است. (۱)

سوم، این اشکال که برای خطبه غدیر بیان کرده‌اند، توجیه نادرستی است که حتی عده‌ای از اهل سنت نیز به آن ایراد گرفته‌اند و آن را بعید شمرده‌اند. بد نیست شبهه افکنان،

ص: ۴۵

۱- ابن کثیر از طبرانی روایت کرده است که سیزده نفر از جا برخاستند و شهادت دادند که پیامبر فرموده‌اند: من کنت مولاه فعلی مولاه. اللهم وال من والاه و عاد من عاداه و احب من احبه و ابغض من ابغضه و انصر من نصره و اخذل من خذله. البدایه و النهایه، ج ۷، ص ۳۴۷.

به این منابع توجه و دقت بیشتری کنند. (۱)

چهارم، چرا از عبارت اللهم وال من والاه... که دعای پس از خطبه است و دعا همواره موضوعی مستقل از خطبه است، به منزله قرینه ای برای محبت استفاده می کنند؛ اما از عبارت أَلَسْتُ أَوْلَىٰ بَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ که قطعاً جز خطبه است و حتماً به معنای تصرف و ولایت و سرپرستی است، همچون قرینه ای برای ولایت استفاده نمی کنند؟

پنجم، در برخی کتب اهل سنت، در ادامه روایتی که ذکر کردیم، کلمه «بعدی» آمده است: قال من كنت مولاه فان عليا بعدى مولاه...؛ (۲) هر کس من مولای اویم، پس از من علی مولای اوست. اگر مقصود از ولایت، دوستی و محبت باشد، معنا نمی دهد که علی بعد از پیامبر دوست مردم باشد؛ مردمی که در عصر پیامبر نیز دوستی علی باگوشت و پوست و خون

ص: ۴۶

۱- .الرياض النضرة، ج ۱، ص ۲۰۵. از محب الدین طبری شافعی به منزله یکی از این افراد یاد می کنند.

۲- .البدایه و النهایه، ج ۷، ص ۳۴۷.

آنان آمیخته بود.

ششم، چه اشکالی دارد که با توجه به این قرائن، ولایت در قسمت اول به معنای سرپرستی آمده باشد و در این قسمت که دعاست، به معنای محبت باشد؟

پرسش دوم:

آیا بیشتر مردم و صحابه پیامبر که از علی اعراض کرده اند، به خطا رفته اند؟ آخر، از سویی، با آیات و روایات فراوانی مواجهیم که در شأن حضرت علی و برای اثبات امامت و ولایت اوست و از سوی دیگر، اغلب مردم و صحابه پیامبر را می بینیم که از این آیات و روایات و از علی روی برگردانده و با دیگران بیعت کرده اند. آیا ممکن است بیشتر مردم مسیر نادرست را انتخاب کنند؟ این موضوع، تردید ما را به آن منابع دینی بر نمی انگیزد؟

پاسخ:

در اواخر زمان پیامبر و پس از رحلت او، نوعی بینش و خط فکری انحرافی در میان مسلمانان پدید آمد و گسترش یافت. بزرگان ما از آن، با نام «اجتهاد در مقابل نص»

ص: ۴۷

یاد می‌کنند. براساس این بینش، لازم نیست هر آنچه پیامبر تأکید و تصدیق کرده است، باور کنیم و تعجباً به آن‌ها عمل کنیم؛ بلکه می‌توان فارغ از حکمت بالغ خداوند و فقط به صلاح دید کوتاه بینانه مردم نگریست و مطالب دیگری را جایگزین دستورهای پیامبر کرد. (۱) بر این اساس، می‌توان غدیر را نادیده گرفت یا در صلح حدیبیه با پیامبر برخورد کرد (۲) یا در اذان تصرف کرده و جمله‌ی «حی علی خیر العمل» (۳) را حذف کرد. می‌توان عبارت الصلاة خیر من النوم (۴) را به اذان نماز صبح اضافه ساخت یا از متعه زنان (۵) و متعه حج (۶) برخلاف دستور پیامبر منع

ص: ۴۸

۱- این اندیشه، مخالف صریح دستور قرآن است که فرمود: ما اتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فانتهوا. حشر، ۷.

۲- صحیح مسلم، کتاب الجهاد و السیر، ج ۳، ص ۱۴۱۲، ب ۳۴، ح ۱۷۸۵.

۳- حلبی، سیره، ج ۲، ص ۹۸.

۴- الموطأ، ص ۵۷، ح ۱۵۱.

۵- صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۳۱.

۶- زادالمعاد، ج ۲، ص ۱۸۴.

کرد. همچنین، می توان در بسیاری از مسائل نظیر شرکت در لشکر اسامه (۱) یا احضار قلم و دوات بر بالین پیامبر، (۲) به صورت عملی با رسول گرامی اسلام مخالفت کرد.

از این موضوع که بگذریم، چند عامل اساسی وجود داشت که باعث شد مردم از گرد علی پراکنده شوند و دیگران را به او ترجیح دهند:

عامل اول، کینه آنان از علی بود. امام رضا در روایتی به این نکته اشاره کرده اند: «امام علی پدران، اجداد، برادران، عموها، خاله ها و نزدیکان آنان را که از دشمنان خدا و رسول او بودند، از دم تیغ گذراند؛ لذا آنان کینه او را به دل گرفتند.» (۳) برای آنان مهم این بود که علی نباشد؛ حتی اگر حکومت به چنگ ابوبکر افتد که بر فراز منبر به مردم گفت:

ص: ۴۹

۱- طبقات ابن سعد، ج ۲، ص ۱۹۰.

۲- صحیح بخاری، ج ۷، ص ۹.

۳- عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۸۱، ح ۱۵.

«حکومت شما را پذیرفتم؛ درحالی که بهترین شما نیستم.»^(۱)

عامل دوم، عدالت علی بود که در حکومت بر مردم، فقط تقوا و پرهیزگاری را ملاک تقدم افراد بر یکدیگر می شمرد. بنابراین، بسیاری از مردم از این مسئله ناخشنود بودند و همواره به دنبال سهم بیشتری از حکومت علی برای خویش بودند. ابن ابی الحدید می گوید: «مهم ترین علت روی گردانی عرب از امیرالمؤمنین مسئله مالی بود. او کسی نبود که عرب را بر عجم برتری بخشد؛ اما خلفا چنین می کردند. او کسی بود که هرگز اجازه نمی داد، شخصی به دلیل سودجویی و منفعت طلبی به او متمایل شود.»^(۲)

عامل سوم، دشمنی قریش با بنی هاشم بود. این دشمنی از زمان رسول خدا وجود

ص: ۵۰

۱- الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۳۳.

۲- شرح ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۱۹۷.

داشت؛ اما پس از مرگ حضرت، به اوج خود رسید. عمر بن خطاب در مناظره ای به ابن عباس می گوید: «به خدا سوگند، پسر عموی تو علی برای خلافت از همه سزاوارتر است؛ اما قریش تحمل او را ندارد.»^(۱) پیامبر نیز از کینه قریش با علی پرده برداشت و به او فرمود: «زود است که پس از من، امتم علیه تو حيله گری و ستم می کنند.»^(۲) امام علی همین جفاها و خیانت ها را از قریش دید که از آنان به خداوند شکایت کرد و چنین فرمود: «بارخدايا، به تو از قریش شکایت می کنم. آنان می خواستند با انواع نیرنگ ها با پیامبر تو درافتند؛ اما از عهده برنیامدند و تو میان آنان و نیاتشان حائل شدی. اما بعد از پیامبر

ص: ۵۱

۱- تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۳۷؛ کامل ابن اثیر، ج ۳، ص ۲۴.

۲- مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۵۰، ح ۴۶۷۶.

محاصره ام کردند و آن مقاصد شوم را درباره من پیاده کردند» (۱)

از دیگر عوامل کناره گیری مردم از علی عصیت های قومی و فامیلی، تعصب های حزبی و قبیله ای، دشمنی علی با اشرافیت، دنیازدگی، نفاق، جهل مردم و فتنه ای بود که از شهرت طلبی و قدرت خواهی عده ای ریشه گرفته بود.

پرسش سوم:

نمی توان خلافت بلافضل حضرت علی را از حدیث غدیر فهمید. درست است که حدیث غدیر از نظر سند و دلالت صحیح است؛ یعنی به صدور آن، اطمینان وجود دارد و امامت و خلافت حضرت علی را نیز اثبات می کند؛ اما نمی توان از این حدیث فهمید که او بلافاصله پس از پیامبر اکرم امام و حاکم مسلمانان است. به همین دلیل، اهل سنت نیز او را خلیفه چهارم می دانند و این کاملاً

ص: ۵۲

۱- شرح ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۲۹۸.

با محتوای حدیث غدیر سازگار است.

پاسخ:

می توان به دلایل مختلف، به این شبهه خدشه وارد کرد:

اول، از کدام آیه یا روایت، خلافت خلفای قبل از علی را اثبات می کنند؟ آیا نمونه ای وجود دارد که پیامبر در ۲۳ سال نبوت خود، به چنین مطلبی اشاره کرده باشد؟ اگر دلیلی از قرآن یا سنت در این زمینه بیاورند، ما نیز از ادعای خود دست برمی داریم.

دوم، روایت بسیار معتبر و صحیحی از پیامبر وجود دارد که شیعه و سنی آن را پذیرفته و قبول کرده اند. این روایت که به «حدیث ولایت» معروف است، به صراحت می گوید که علی خلیفه و جانشین بلافصل پیامبر است: هو ولی کل مؤمن بعدی؛^(۱) او پس از من، سرپرست همه مؤمنان است. اگر این روایت را در کنار حدیث غدیر قرار دهیم، مشخص خواهد شد

ص: ۵۳

۱- . مسند احمد، ج ۴، ص ۴۳۸.

که پیامبری رسول اکرم و امامت علی موضوعی متصل و پیوسته است و هیچ کس و هیچ چیزی نباید میان آن دو فاصله اندازد.

سوم، با اندکی دقت و تأمل می توان دریافت که اساساً حدیث غدیر را صادر کرده اند تا خلافت حضرت علی را بلافاصله بعد از رسول خدا اثبات کنند. دقت کنید که پیامبر این روایت را در آخرین سال عمر خویش و زمانی که از تفرقه و چنددستگی مسلمانان هراس داشته، بیان کرده اند. هر عقلی درمی یابد که مقصود او حکومت و امامت علی بلافاصله پس از رحلت خود است؛ نه زمانی که دیگران آمده اند و رفته اند و دیگر آب ها از آسیاب افتاده است.

چهارم، حدیث غدیر دلالت دارد که علی سرپرست همه مسلمانان است، حتی سه خلیفه ای که بعد از رسول اکرم یک به یک زمام حکومت را به دست گرفتند. چگونه علی سرپرست آنان باشد، درحالی که باید زیر بیرق آنان قرار بگیرد، بیعت آنان را بپذیرد و آنان را به رهبری و حکومت بشناسد؟ اگر مقصود پیامبر از حکومت علی حکومت پس از

عثمان است، چرا خلیفه دوم، در روز غدیر به علی تبریک گفت و او را مولای خود و هر مؤمن دیگری خطاب کرد؟ عمر که در زمان حکومت عثمان زنده نبود تا ولایت و حکومت علی را بپذیرد. این موضوع نشان می دهد که او ولایت علی را بعد از پیامبر پذیرفته بود؛ اما قدرت طلبی، اتفاقی را رقم زد که شد آنچه نباید می شد.

ص: ۵۵